

### Intermediate 3 vocab

access (n.)	(اجازه) دسترسی
access (v.)	دسترسی پیدا کردن به
accessible (adj.)	در دسترس
account (n.)	صورت مبالغ دریافتی و پرداختی
account for (v.)	تشکیل دادن، عامل چیزی بودن
accumulate (v.)	روی هم انباشته شدن (یا کردن)
accumulation (n.)	تجمع، انباشت، ذخیره
accustomed (adj.)	خوگرفته، معتاد، عادت کرده
achievement (n.)	دستیابی، پیروزی، موفقیت
acupuncture (n.)	طب سوزنی
adequate (adj.)	کافی، مناسب
advanced (adj.)	(در سن) بالا
after all (exp.)	هر چه که باشد (مثلا، هر چه که باشد، او دوست توست)
agriculture (n.)	کشاورزی
ambitious (adj.)	بلندپرواز، جاه طلب
announcement (n.)	اعلان (وضعیت)
annual (adj.)	سالانه (سالی یک بار)
antenna (n.)	آنتن
appealing (adj.)	جذاب
appliance (n.)	دستگاه، (جمع: لوازم منزل)
appoint (v.)	گماشتن به کار
assume (v.)	عهده دار شدن (مثلا کنترل جایی)
assure (v.)	اطمینان دادن به
at a time (exp.)	در یک زمان، باهم
at (the) most (exp.)	حداکثر، خیلی باشد
award (v.)	اعطا کردن
backward (adj.)	(رو) به عقب
balance (n.)	موجودی (حساب بانکی)
ballpoint pen (n.)	خودکار (با یک توپ ریز در نوکش)
ban (v.)	(رسماً) ممنوع کردن
bankrupt (n.)	ورشکسته
base (n.)	بستر، ته، کف
bathe (v.)	شستشو کردن در حمام
bell tower (n.)	برج ناقوس (در کلیسا و ...)
be at odds (with sb) (exp.)	مخالفت داشتن (با کسی)
bend (n.)	پیچ (در جاده یا رودخانه)
bend (v.)	پیچیدن، تغییر مسیر دادن
biophysicist (n.)	دانشمند (در زمینه) زیست - فیزیک
biotechnology (n.)	بیوتکنولوژی
bitterly (adv.)	زارزار، با عصبانیت، ناراحتی یا ناامیدی
bleeding (n.)	خونریزی
boardroom (n.)	اتاق جلسه (برای مدیران یک شرکت)
breadwinner (n.)	نان آور
break through (v.)	پیشرفت کردن (علیرغم مشکلات)
breath (n.)	ذم، نفس
breathe (v.)	نفس کشیدن
breeze (n.)	نسیم
bristle (n.)	موی زبر (مثلا در مسواک)
built-in (adj.)	توکار، از ابتدای ساخت روی دستگاه یا برنامه کامپیوتری سوار شده
buzz (v.)	وژوز کردن
by/in contrast (exp.)	در مقابل (بر خلاف کسی یا چیزی)
capable (adj.)	توانا، مستعد
caption (n.)	زیر نویس (عکس، فیلم)
carefree (adj.)	سبکبار، بی خیال
cause (n.)	سبب، علت، انگیزه، هدف
CD-ROM (n.)	سی دی
chairman (n.)	رئیس جلسه یا هیات مدیره
chance (v.)	شانس آوردن، اتفاقی انجام دادن
chapter (n.)	فصل (کتاب)
chew (v.)	جویدن
chip (n.)	تراشه الکترونیک
chore (n.)	کارهای عادی و روزمره (معمولا نامطلوب)

circumstance (n.)	وضع، اوضاع (جمع)
clerical (adj.)	(کار) دفتری
close (adj.)	دقیق، با جزئیات
collision (n.)	ضربه، تصادف
combine (v.)	باهم پیوستن، همراه کردن
comp up (v.)	پیش آمدن، اتفاق افتادن
committee (n.)	شورا، هیات بررسی
compassion (n.)	دلسوزی، همدردی
complaint (n.)	اعتراض، شکایت
complementary (adj.)	مکمل
complex (adj.)	پیچیده
comprehend (v.)	دریافتن، درک کردن
compute (v.)	محاسبه کردن
concave (adj.)	مُقعَر، کاو، توگود
concentrate (v.)	متمرکز کردن در یک محل
concept (n.)	مفهوم
conduct (v.)	انجام دادن (مثلا یک بررسی)
conflict (n.)	تضاد، عدم موافقت
congested (adj.)	با ترافیک (بسیار سنگین)
congestion (n.)	تراکم، ازدحام، ترافیک
connectivity (n.)	(قابلیت) اتصال
conservative (adj.)	محافظه کار، پیرو سنت قدیم
consultant (n.)	مشاور
content (adj.)	راضی، خوشنود
contract (v.)	منقبض کردن، منقبض شدن
contrast (n.)	کنتراست، تباین، تفاوت بین رنگها (یا بین تیره و روشن)
controversial (adj.)	بحث‌انگیز، جدال‌آمیز
convex (adj.)	مُحدَب، کوژ، برآمده
cop (n.)	(یک افسر) پلیس
counteract (v.)	عمل متقابل کردن، بی‌اثر کردن
coupon (n.)	کوپن
court (n.)	دادگاه
crash (v.)	درهم شکستن یا سقوط ناگهانی
creepy (adj.)	مورمورکننده، عصبی‌کننده
critical (adj.)	بسیار مهم
currently (adv.)	در حال حاضر
cut down (on sth) (v.)	کمتر کردن انجام یا مصرف چیزی (بخصوص برای سلامتی)
data (n.)	داده (قابل درک فقط برای کامپیوتر)
database (n.)	پایگاه داده (مجموعه بزرگ اطلاعات به صورت سازمان دهی شده)
day care (n.)	مهد کودک
deal with (v.)	رسیدگی کردن به
dealer (n.)	دلال، معاملات‌چی
deserve (v.)	سزاوار (چیزی) بودن
desire (v.)	میل داشتن، آرزو کردن
desktop (adj.)	رومیزی (در مورد لوازم جانبی کامپیوتر)
detail (n.)	جزئیات
detection (n.)	اکتشاف، ردیابی
detector (n.)	رَدیاب
determined (adj.)	مُصنَم
develop (v.)	ظاهر کردن یا شدن (فیلم)
device (n.)	وسیله، دستگاه
diagnosis (n.)	تشخیص (پزشکی)
dilate (v.)	بزرگ شدن (مردمک چشم)
disabled, the (n.)	افراد معلول
discipline (n.)	انضباط، دیسیپلین
disconnect (v.)	قطع کردن (ارتباط تلفنی و ...)
distance learning (n.)	آموزش از راه دور
DNA fingerprinting (n.)	انگشت نگاری DNA (بخصوص جهت پیدا کردن فرد مجرم)
do without (v.)	بدون چیزی ادامه دادن
document (n.)	سند، مدرک
doge (n.)	لقب رئیس جمهور در جمهوری‌های باستانی ونیز (Venice) و جنوا (Genoa) در ایتالیا

domineering (adj.)	(شخصیت) سلطه جو
double dutch (n.)	طناب‌زنی با دو طناب بلند
Drive (n.)	در نام جاده‌ها یا خیابان‌ها استفاده می‌شود
drop (n.)	آفت (در مقدار یا ارزش)
drug (n.)	داروی یا ماده مخدر
duke (n.)	دوک (حاکم یک کشور یا منطقه کوچک در اروپا در گذشته)
dull (v.)	خفیف کردن (درد)
dye (v.)	رنگ کردن (و تغییر رنگ دادن)
dynamite (n.)	دینامیت
ease (v.)	تخفیف دادن درد یا کم کردن مشکل
edutainment (n.)	برنامه کامپیوتری یا تلویزیونی که با تفریح آموزش می‌دهد
electromagnetic (adj.)	الکترومغناطیسی
emerge (v.)	ظاهر شدن، شناخته شدن
emphysema (n.)	آمفیزم (یک بیماری ریوی)
endure (v.)	دوام آوردن
engineer (v.)	مهندسی ژنتیک کردن
enhance (v.)	بهبود بخشیدن به
enjoyment (n.)	لذت، خوشی
ensure (v.)	اطمینان دادن
entire (adj.)	همگی، تمام، یکپارچه
errand (n.)	ماموریت، کاری که باید برای انجام، دنبال آن فرستاد (مثلا فرستادن برای خرید چیزی)
establish (v.)	ادر جایی (مثلا در تیم) برای مقامی ا جا افتادن و شناخته شدن
estate (n.)	دارایی
evident (adj.)	آشکار
evil (n.)	شر، بدی
exclusive (adj.)	انحصاری
executive (adj.)	(مدیر، برنامه) اجرایی
expand (v.)	توسعه یافتن یا توسعه دادن
expectation (n.)	انتظار، چشم داشت (مثلا انتظار معلم از دانش آموز)
expenses (n.)	هزینه‌ها
explosive (n.)	ماده منفجره
extended family (n.)	خانواده گسترده (والدین، فرزندان و فامیل)
extensive (adj.)	گسترده (یا جزئیات زیاد)
facility (n.)	تاسیسات یا ساختمان برای کاری خاص (مثلا پزشکی)
factor (n.)	فاکتور، عامل
fair (adj.)	بی طرف، عادلانه
fall into (v.)	(به دو یا چند دسته) تقسیم شدن
fame (n.)	شهرت، آوازه
favor (v.)	طرفداری کردن از
feature (n.)	ویژگی
female (n.)	جنس ماده، مونث
fill (v.)	نسخه پیچیدن
firstborn (n.)	فرزند اول (ارشد) خانواده
flexible (adj.)	انعطاف پذیر
flextime (n.)	سیستم کاری با ساعات کار دلخواه
flow (n.)	جریان (اطلاعات، آب، خون و ...)
folk(s) (n.)	مردم
food processor (n.)	خردکن و مخلوط‌کن
for life (exp.)	مادام العمر
forefinger (n.)	انگشت اشاره (سبابه)
form (v.)	به شکل خاصی درآوردن
former (adj.)	سابق
forward-looking (adj.)	آینده‌نگر
frustrating (adj.)	نامیدکننده، ناراحت‌کننده
function (n.)	عملکرد
funds (n.)	وجود، پول برای کاری خاص
furnish (v.)	مبله کردن، دارای اثاثه کردن
further (adj.)	بیشتر، اضافی، (اطلاع) ثانوی
furthermore (adv.)	بعلاوه، از این گذشته
gastrointestinal (adj.)	مربوط به معده و روده، گوارشی
gene (n.)	ژن (عامل موجود در کروموزوم که ناقل صفات ارثی است)

generate (v.)	خلق کردن (مثلا ایده‌های نو)
genetic (adj.)	ژنتیک (مربوط به ژن‌ها و مطالعه‌ی آن‌ها)
get along (v.)	(دوستانه) به سر بردن
get sth straight (exp.)	روشن کردن مطلبی
give oneself/sb up (v.)	تسلیم کردن یا شدن خود یا کسی
give up (v.)	تسلیم شدن، رها کردن
glass ceiling (n.)	محدوده‌ی خیالی برای محدود کردن فعالیت زنان (هر چند که از نظر قانونی مانعی نباشد)
glide (v.)	خرامیدن، سُر خوردن و رفتن
glory (n.)	جلال، افتخار، شکوه
go off (v.)	قطع شدن (برق، نور)
grateful (adj.)	سپاسگزار، ممنون
growing (adj.)	در حال افزایش
guest room (n.)	اتاق (خواب) مهمان
gum (n.)	آدامس
handheld (adj.)	دستی (دوربین، کامپیوتر، ...)
handmade (adj.)	دستی، ساخت دست
harbor (n.)	لنگرگاه
head-on (adj.)	(تصادف) شاخ‌به‌شاخ
homemaker (n.)	خانه‌دار
honorable (adj.)	محترم
hopscotch (n.)	بازی لی‌لی
idealist (n.)	آرمان‌گرا
identify (v.)	شناسایی کردن
illegal (adj.)	غیرقانونی
imaginative (adj.)	تخیلی، برخوردار از تخیل قوی
immediate (adj.)	بلافاصله، (افراد) نزدیک
impact (n.)	اثر شدید
impurity (n.)	ناخالصی
in company (exp.)	باجمع، همراه با دوستان
in private (exp.)	(به صورت) خصوصی
in the red (exp.)	بدهکار (به بانک)
in turn (exp.)	در نتیجه، متعاقباً
income (n.)	درآمد
incompatible (adj.)	ناسازگار، ناجور
indeed (adv.)	درواقع (حتی، بلکه)
industrial revolution, the (n.)	انقلاب صنعتی
industrialist (n.)	صاحب صنعت، کارخانه‌دار
industry (n.)	صنعت
inefficiency (n.)	بی‌کفایتی
inefficient (adj.)	بی‌کفایت
infection (n.)	عفونت
information superhighway, the (n.)	شاهراه اطلاعات (شبکه‌های جهانی کامپیوتری که اینترنت را می‌سازند)
inhale (v.)	تنفس کردن، تو کشیدن
inhibited (adj.)	خجالتی، کم‌گو
innovative (adj.)	ابتکاری، مبتکر
inspiring (adj.)	امیدبخش
insure (v.)	بیمه کردن
integrate (v.)	یکپارچه کردن، گنجانیدن
interaction (n.)	اثر متقابل، برقراری ارتباط
interactive (adj.)	برنامه کامپیوتری اینترآکتیو (که با کاربر ارتباط برقرار می‌کند)
interference (n.)	تداخل
interpersonal (adj.)	(روابط) میان‌فردی
interviewer (n.)	پرسش‌گر، فرد انجام دهنده مصاحبه
invade (v.)	تجاوز کردن (به زندگی خصوصی)
invasion of privacy (exp.)	تجاوز به حریم خصوصی
inventive (adj.)	مبتکر
inventory (n.)	فهرست اموال، لیست موجودی
invest (v.)	سرمایه‌گذاری
involvement (n.)	درگیری، دخالت

irritate (v.)	سوزش دادن (مثلا چشم)
irritation (n.)	سوزش، تحریک، تخریش
job-sharing (n.)	انجام یک کار به صورت نوبتی (مثلا توسط دو دانشجو)
judgment (n.)	قضات
laboratory (n.)	آزمایشگاه
laser (n.)	وسيله توليد ليزر
laureate (n.)	برنده جايزه (بخصوص نوبل)
leadership (n.)	مدیریت، رهبری
lean (v.)	تکیه کردن، کج شدن
lessen (v.)	تخفیف یافتن، کمتر کردن
liable (adj.)	محتمل
license plate (n.)	پلاک خودرو
lie (v.)	قرار گرفتن (یک تصمیم، مسئولیت یا یک انتخاب در مجموعه وظایف کسی)
light (adj.)	(ترافیک) سبک
light bulb (adj.)	(حباب شیشه‌ای) لامپ
likelihood (n.)	احتمال
linguist (n.)	زبان‌شناس
lining (n.)	آستر، پوشش (مثلا داخل معده)
listen in (on sth) (v.)	گوش ایستادن
literature (n.)	ادبیات
live up to (v.)	مطابق با استاندارد (کسی) عمل کردن
liver (n.)	کبد
living, the (n.)	افرادی که هنوز زنده‌اند
locate (v.)	جای چیزی را تعیین کردن
location (n.)	جایگاه، محل
magnify (v.)	زیر ذره‌بین بزرگ کردن
maintain (v.)	مدعی بودن (حقیقت داشتن چیزی)
make a name for oneself (exp.)	مشهور شدن
make ends meet (exp.)	درآمد بخور و نمیر داشتن
make for (v.)	پیش رفتن بسوی
mankind (n.)	نوع بشر
march (v.)	نظامی‌وار راه رفتن، قدم رو کردن
mathematician (n.)	ریاضی‌دان
mealtime (n.)	موقع صرف غذا
medicine cabinet (n.)	جعبه دارو در منزل
meet (v.)	پاسخگو بودن (برای یک نیاز)
membrane (n.)	غشاء، پرده (گوش)
memorial (n.)	یادگار، لوحه یادبود
mere (adj.)	تنها (مثلا "تنها ۲ کیلو وزن کم کردم.")
migraine (n.)	میگرن (سر درد)
millennium (n.)	هزاره (هزار سال)
mine (n.)	مین (بمب مخصوص کار گذاشتن زیر خاک)
minimize (v.)	به حداقل رساندن
mining (n.)	معدن کاری
modify (v.)	(به طور جزئی) اصلاح کردن
monetary (adj.)	پولی
monitor (v.)	نظارت کردن بر
motivated (adj.)	با انگیزه
mount (v.)	سوار شدن (بر اسب)
mouth (n.)	دهانه (مثلا آتشفشان)
multimedia (adj., n.)	چند رسانه، چند رسانه‌ای، مالتی‌مدیا
musician (n.)	موسیقی‌دان، نوازنده
mysterious	مرموز، مبهم
nanny (n.)	پرستار بچه
necessitate (v.)	ناگزیر کردن، مجبور کردن
nerve (n.)	عصب
network (n.)	شبکه (کامپیوتری)
nickname (v.)	اسم مستعار
nifty (adj.)	جذاب، ماهرانه، مفید و ساده (مثلا آرمیوه‌گیر)
nobleman (n.)	نجیب‌زاده (از طبقه اعیان و شایسته)
nonprescription (adj.)	(داروی قابل خرید) بدون نسخه
occupy (v.)	اشغال کردن (یک موقعیت یا شغل)

off (adv.)	جدا (شده) از محلی (مثلا در fall off به زمین افتادن)
on (prep.)	همراه (با خود داشتن چیزی)
one's fellow man/men (exp.)	سایرین (مثلا افرادی غیر خودم، خودش و ...)
on the part of sb (exp.)	کار، تقصیر، یا در مسئولیت کسی بودن
on the point of doing sth (exp.)	درست کمی مانده به انجام کاری
opening (n.)	گشایش، فرصت (انجام کاری)
operate (v.)	به کار انداختن و کنترل کردن (یک دستگاه)
opponent (n.)	حریف
oral (adj., n.)	شفاهی، یک امتحان شفاهی
organization (n.)	سازمان
organizer (n.)	کتابچه یا وسیله (برنامه کامپیوتری یا موبایل) جهت برنامه‌ریزی کارها
otherwise (adv.)	وگرنه، در غیر این صورت
over- (prefix)	(پیشوند) بیش از حد، زیادی
overbearing (adj.)	(شخصیت) مغرور، از خود راضی
overturn (v.)	چپه کردن یا شدن، دَمَر کردن
overwork (v.)	کار زیاد کردن، خود را خسته کردن
palace (n.)	کاخ، قصر
pamper (v.)	به خود رسیدن (مثلا بعد از کار سنگین)، پناز پروردن
parental (adj.)	والدینی
passage (n.)	راه، مجرا (مثلا مجرای تنفسی)
password (n.)	پَسُورْد، رمز
patriotic (adj.)	میهن‌دوستانه، میهن‌دوست
pattern (n.)	طرح، الگو، شیوه
PC (n.)	پی‌سی (کامپیوتر شخصی)
peacetime (n.)	دوران صلح
penetrate (v.)	رسوخ کردن، نفوذ کردن
penetration (n.)	رسوخ، نفوذ
persuasion (n.)	قانع سازی، تشویق
persuasive (adj.)	متقاعد کننده، وادار کننده
phobia (n.)	هراس، فوبی، ترس بی‌خود
pile up (v.)	روی هم انباشته شدن
pinpoint (v.)	با دقت اشاره کردن به
pipe (n.)	لوله‌ی آرگ موسیقی (برای فوت کردن)
plus (adj.)	بیش از
point out (v.)	اشاره کردن (گفتن)
portable (adj.)	قابل حمل (پرتابل)
portray (v.)	(به) تصویر کشیدن
pose (v.)	مطرح کردن یا ایجاد کردن (یک وضعیت دشوار یا خطرناک)
possess (v.)	(در تملک) داشتن
potential (n.)	پتانسیل، استعداد نهانی
practical (adj.)	عملی، کاربردی
practice (n.)	فعالیت (پزشکان، وکلا و ...)
prescribe (v.)	تجویز کردن، نسخه نوشتن
primary (adj.)	(در مراحل) اولیه، ابتدایی
privacy (n.)	خلوت، حریم (خصوصی)
process (n.)	فرایند
productive (adj.)	مفید، پربار
professor (n.)	استاد (تمام)، پروفیسور
proliferate (v.)	زیاد شدن، کثیر شدن
psychoanalytic (adj.)	مربوط به روانکاوی (پیدا کردن علت مشکل روحی با صحبت کردن در مورد گذشته فرد)
publicity (n.)	شهرت، تبلیغات
pupil (n.)	شاگرد (مخصوصا بچه)
purchase (n.)	شیء یا چیز خریداری شده
put sb to death (exp.)	کسی را کشتن
pyramid (n.)	هرم (بنای سنگی) [the Pyramids: اهرام مصر]
question (v.)	مورد تردید یا اعتراض قرار دادن
radically (adv.)	از بیخ، اساسا
range (v.)	تغییر کردن (از موضوعی تا موضوع دیگر)
rapidly (adv.)	بسرعت

rebuild (v.)	بازسازی کردن (مثلا زندگی)
record (n.)	سابقه
recurring (adj.)	عود کننده، برگردنده
registered (adj.)	(مرسوله پستی) بیمه شده
relationship (n.)	رابطه (بین افراد)
relieve (v.)	آرام کردن (درد)
remote (n.)	(کنترل از راه دور (تلویزیون))
resolve (v.)	تصمیم قطعی گرفتن
respiratory (adj.)	تنفسی
responsibility (n.)	مسئولیت
ridiculous (adj.)	مسخره
rock (n.)	صخره سنگ
routine (adj.)	عادی، معمولی، روتین
run into (v.)	گرفتار شدن به، برخوردن به (مثلا باران)
sail (n.)	بادبان
sample (v.)	نمونه برداری کردن، مورد آزمایش قرار دادن
scalp (n.)	پوست سر
schedule (v.)	در برنامه گذاردن
screenwriter (n.)	نویسنده نمایشنامه‌های رادیویی و تلویزیونی
secretly (adv.)	مخفیانه
secure (adj.)	(آینده‌ی) مطمئن
seek (v.)	گشتن، جستجو کردن (مثلا پاسخ)
seek one's fortune (exp.)	در مکانی جدید برای خوشبختی و موفقیت زندگی کردن
sensitive (adj.)	حساس
sensor (n.)	حسگر، سنسور
set (v.)	در نظر گرفتن (یک وظیفه، کار، مشکل، یا ... برای انجام یا حل کردن)
shiver (v.)	لرزیدن (از سرما، بیماری یا ترس)
shoulder blade (n.)	استخوان شانه
sibling (n.)	برادر یا خواهر فرد
side effect (n.)	اثر جانبی و زیان آور دارو
significant (adj.)	قابل توجه
similarity (n.)	شباهت
single-parent family (n.)	خانواده‌ی با فقط پدر یا مادر (نه هر دوی آنها)
sinus (n.)	سینوس (حفره در پیشانی و گونه‌ها)
site (n.)	وب سایت اینترنتی
sleep on sth (v.)	به تاخیر انداختن یک تصمیم تا فردا
slippery (adj.)	لیز
smoothly (adv.)	بدون دردسر و تاخیر
so-called (adj.)	به اصطلاح
soak up (v.)	جذب کردن (مایع)
social (adj.)	دوستانه، اجتماعی
sofa bed (n.)	مبلی که به تخت دو نفره تبدیل می‌شود
spectacles (n.)	عینک
spoil (v.)	لوس کردن (بچه)
spot (n.)	لکه (روی لباس)
spy (out) (v.)	متوجه (حضور کسی یا چیزی) شدن
stand (v.)	در یک موقعیت یا وضعیت خاصی بودن
stimulate (v.)	تحریک کردن (قسمتی از بدن توسط دارو)
store (v.)	ذخیره کردن اطلاعات (در مغز یا کامپیوتر)
strengthen (v.)	تقویت کردن
sturdy (adj.)	(بدن) سالم و خوش بنیه
subsequent (adj.)	ثانویه، بعدی
sue (v.)	تعقیب قانونی کردن
summon (v.)	احضار کردن
supply (v.)	تامین کردن چیزی (برای کسی که احتیاج دارد)
support (v.)	تامین (حمایت) کردن (پول، غذا، پناه‌گاه) برای زندگی
surveillance (n.)	زیر نظر داشتن (توسط پلیس)
suspect (v.)	مظنون بودن
switch (v.)	عوض کردن (مثلا بحث)
tablet (n.)	قرص (دارو)
tag (n.)	گرگم پتو (یک بازی بین دو یا چند بچه که در آن یکی از بچه‌ها دیگران را دنبال کرده و به هر کدام که موفق شود دست بزند، او باید دیگران را دنبال کند.)

take a dislike to sb/sth (exp.)	از کسی یا چیزی متنفر شدن
take an interest in (exp.)	علاقه نشان دادن به
take it for granted (exp.)	بدون فکر، اطمینان حاصل کردن و همین طوری چیزی را به عنوان درست پذیرفتن
take over (v.)	تحویل گرفتن (مسئولیت چیزی)
tar (n.)	یکی از مواد سمی تنباکو (که بعد از سوختن، سیاه و چسبناک است)
taste (for sth) (n.)	ذوق و علاقه (به چیزی)
technician (n.)	تکنسین، تعمیرکار
telecommute (v.)	کار کردن از راه دور
telephone exchange (n.)	مرکز تلفن خودکار
temper (n.)	مزاج، خلق، خو
temple (n.)	گیجگاه
tendency (n.)	گرایش، تمایل
tender (adj.)	شکونده
theory (n.)	نظریه
therapist (n.)	درمان‌گر، تراپیست
(there's) nothing to it (exp.)	بسیار ساده است.
the right/wrong way (around/round/up) (exp.)	به یک شکل درست یا غلط (آن طرفی، این طرفی، سر و ته یا پشت و رو ...)
think for oneself (exp.)	برای خود و به تنهایی فکر کردن و تصمیم گرفتن
throughout (prep.)	سراسر یا در طول (مثلا سال)
thumb (n.)	(انگشت) شست
tissue (n.)	بافت (در بدن، گیاه، حیوان ...)
to sb's face (exp.)	رو در روی کسی (مسمی)
to the touch (exp.)	در موقع لمس کردن
toe (n.)	انگشت پا
tool (n.)	وسيله، ابزار
traditional (adj.)	سنتی
traffic jam (n.)	خط طولانی ترافیک خودروها
trait (n.)	ویژگی، صفت (در شخصیت کسی)
transform (v.)	دگرگون کردن
trend (n.)	تمایل، گرایش، روند کار
trigger (n.)	برانگیزنده (یک واکنش بد)
tyrannical (adj.)	ستمگرانه
ultimately (adv.)	سرانجام
underestimate (v.)	دست کم گرفتن
upside down (adv.)	وارونه
value (n.)	ارزش
variation (n.)	متفاوت (در یک مجموعه از اقلام مثل لباس)
varied (adj.)	گونگون، متنوع
vast (adj.)	مقدار زیاد
version (n.)	مدل، نگارش، ورژن
vessel (n.)	رگ، آوند، مجرا (برای عبور مایع) در بدن انسان، حیوان و گیاه
videoconferencing (n.)	ویدئو کنفرانس
virtual reality (n.)	واقعیت مجازی (سه بعدی)
vital (adj.)	حیاتی، ضروری
Walkman (n.)	واکمن
warmth (n.)	گرمی، حرارت
warrant (n.)	مجوز (مثلا برای دستگیری کسی)
weaken (v.)	ضعیف کردن، سست کردن
wealthy (adj.)	دولتمند، ثروتمند
weapon (n.)	اسلحه
will (n.)	وصیت‌نامه
workshop (n.)	کارگاه (تجمع افراد یا دانشمندان برای بحث یا فعالیت یک، دو یا چند روزه)
worldwide (adj.)	جهانی
wrangle (v.)	مشاجره کردن
youth (n.)	جوانی